



بازخوانی نظریه حسن و قبح عقلایی بر اساس فرارخدادگی

محمدحسن سموعی^۱ ✉، سیداحمد فاضلی^۲ ID

۱. دانشجوی دکتری، فلسفه اخلاق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. نویسنده مسئول: mh.samooei@stu.qom.ac.ir
۲. دانشیار، گروه فلسفه اخلاق، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷	فرارخدادگی در اخلاق بیانگر یک رابطه متغیر دوسویه بین ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های توصیفی است که به تبیین برخی محورها در فرااخلاق ازجمله محور هستی‌شناسی پدیده‌های اخلاقی می‌پردازد. در مقابل، حسن و قبح عقلایی دیدگاهی است با ادبیات سنتی و در باب تبیین چگونگی هستی در حسن و قبح و به تعبیری مفاهیم عام اخلاقی که افق حسن و قبح را مصالح عامه اجتماعی می‌بیند و در سایه غایات اجتماعی حسن و قبح است که به این دو عینیت می‌بخشد. در این مقاله با خوانش تحلیلی و روش‌شناختی و تطبیقی نسبت به هر یک از این دو نظریه، دو ظرفیت در فرارخدادگی اخلاقی کشف شده است که حسن و قبح عقلایی به‌صورت بالقوه برای آن‌ها پاسخ دارد و اگر بر محور مباحث فرارخدادگی اخلاقی، حسن و قبح عقلایی بازخوانی و مطرح شود، می‌تواند یکی از خوانش‌های اساسی در فرارخدادگی باشد. در وهله اول طبق چشم‌انداز حسن و قبح عقلایی، آن جزئیات توصیفی که در فرارخدادگی با جزئیات اخلاقی، رابطه متغیر دوسویه دارد، غایات و مصالح اجتماعی‌اند. همچنین، مفهوم جهتی که اساس تقسیم اقسام فرارخدادگی در اخلاق است، در حسن و قبح عقلایی به‌صورت یک پیوستار قابل تبیین است.

استناد: سموعی، محمدحسن، فاضلی، سید احمد (۱۴۰۵). بازخوانی نظریه حسن و قبح عقلایی براساس فرارخدادگی. *فلسفه تطبیقی*، ۳(۲)، ۸۰-۶۹.
<https://doi.org/10.30487/cph.2026.2076735.1058>

© ۱۴۰۵ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه فلسفه تطبیقی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت).



Revisiting the Theory of Conventional Good and Bad Based on Supervenience

Mohammad Hasan Samooei ¹ , Seyed Ahmad Fazeli ² 

1. Ph.D. Candidate, Philosophy of Ethics, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.

Corresponding Author: mh.samooei@stu.qom.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Ethics, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran.

Article Info

History

Received: January 03, 2026

Accepted: April 06, 2026

Keywords

supervenience
conventional good and bad
general social expediencies
modality
necessity

Abstract

Supervenience in ethics represents a co-variance relationship between moral properties and descriptive properties, which explains certain axes in meta-ethics, including the ontological dimension of moral phenomena. In contrast, the theory of conventional good and bad is a viewpoint with traditional literature, addressing the ontology of good and bad, or more precisely, general moral concepts, where the horizon of good and bad is seen in the broader social interests. It is under the shadow of these social goals that good and bad are given concreteness. In this article, through analytical, methodological, and comparative readings of both theories, two capacities in moral supervenience are identified, for which the theory of conventional good and bad potentially offers answers. If conventional good and bad are revisited and framed within the axis of moral supervenience discussions, they could constitute one of the fundamental readings of supervenience. Initially, according to the perspective of conventional good and bad, those descriptive details that in supervenience form a co-variance relationship with moral details are social goals and interests. Additionally, the concept of modality, which forms the basis for dividing types of supervenience in ethics, can be explained as a continuum within the framework of conventional good and bad.

Citation: Samooei, M., & Fazeli, A. (2026). Revisiting the Theory of Conventional Good and Bad Based on Supervenience. *Comparative Philosophy*, 3(2), 69-80.

<https://doi.org/10.30487/cph.2026.2076735.1058>

© 2026 Authors, Comparative Philosophy.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)

مقدمه

یکی از بحث‌های مطرح در فرااخلاق که در برخی ابعاد فرااخلاق از جمله محور هستی‌شناختی و محور منطقی صحبت کرده است، فرارخدادگی اخلاقی^۱ است. فرارخدادگی دارای تقریرهای گوناگون است و حتی در برخی تقابل‌ها، متناقض با یکدیگر است و به همین خاطر می‌توان آن را مبنای مکاتب متعددی در فرااخلاق دانست. محورها، مفاهیم پایه‌ای، اقسام و استدلال‌ات پرشماری برای آن وجود دارد که به مقدار نیاز برای تبیین تطبیقی به آن پرداخته خواهد شد.

از طرف دیگر حسن و قبح عقلایی، دیدگاهی است در باب حسن و قبح که در برخی محورهای فرااخلاق از جمله هستی‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی و البته در ادبیات سنتی علوم اسلامی سخن رانده است. هرچند در سیر تطور ارائه و تکامل آن، جایگاهی متفاوت از جایگاه مباحث فرااخلاقی دیده می‌شود، ولی چنین ظرفیتی را دارد که نگاه فرااخلاقی داشته باشد. بدیهی است مطالعه تطبیقی بین این دو نظریه در محور هستی‌شناسی فرااخلاق رخ می‌دهد، زیرا هر دو به‌طور مشترک به تحلیل هستی‌شناختی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی پرداخته‌اند. ضرورت این مطالعه تطبیقی و یافتن یک پشتوانه تبیین فلسفی، با نگاه به امتداد مباحث حسن و قبح عقلایی تا جایی که به مصالح عامه اجتماعی می‌رسد و یک نظریه اجتماعی را در باب اخلاق و به‌عنوان هدف اخلاق ارائه می‌دهد، بیش‌ازپیش نمایان می‌شود.

فرارخدادگی در مجموع دارای ادبیاتی تحلیلی‌تر است که از جایگاه آن در حوزه مباحث فرااخلاقی ناشی می‌شود و از همین رو به نظر می‌آید، ظرفیت استفاده از ادبیات آن برای تکمیل یا به تعبیری بازخوانی حسن و قبح عقلایی به‌عنوان یکی از نظریات فرااخلاقی در میان اندیشمندان مسلمان وجود دارد. اهمیت مطالعه تطبیقی در باب هستی‌شناسی مباحث ارزشی را باید در کمبود نگاه جامع به این مباحث، علی‌رغم توسعه مطالعات فرااخلاقی از یک‌سو و پرکاربرد بودن نگاه تحلیلی در مقولات انتزاعی و از جمله مباحث ارزشی از سوی دیگر، جست‌وجو کرد.

آنچه مشخصاً در این مقاله مورد سؤال و بررسی است، واریسی ظرفیت فرارخدادگی برای تبیینی کامل‌تر و تحلیلی‌تر از ابعاد گوناگون حسن و قبح عقلایی به‌عنوان یک نظریه دارای امتداد اجتماعی است.

فرارخدادگی در اخلاق

یکی از نظریاتی که به‌طور کلی می‌توان همگانی بودنش را بین اندیشمندان گوناگون در عرصه فلسفه اخلاق پذیرفت، البته با دخالت تقریرهای متفاوت و پرشمار از آن، نظریه فرارخدادگی است (McPherson, 2020, p 1).

فرارخدادگی به‌عنوان یک کلان مفهوم دارای ظهورات متفاوتی در مباحث متافیزیک است و هیر سخن گفتن از آن را به دوران ارسطو و تعبیر فراپدیدار^۲ برمی‌گرداند (Hare, 1989, p 66).

یکی از شاخه‌های آن فرارخدادگی در اخلاق است که دارای محورهای فرعی مخصوص به مباحث ارزش‌شناختی است. بی‌تردید تفکیک موضوعی هر بحثی که فرارخدادگی در آن مطرح می‌شود، باعث تنقیح هر چه بیشتر محل نزاع می‌شود. به همین خاطر برخی دانشمندان که التفات به بحث فرارخدادگی داشته‌اند از ابتدا این تفکیک را گوشزد کرده‌اند؛ مثلاً هیر بین فرارخدادگی در فلسفه ذهن و فرارخدادگی در اخلاق تفکیک قائل می‌شود (Ibid, p 68). رئیس بانکی را در نظر بگیرید که به اموال افراد گوناگون دسترسی دارد و در موقعیتی قرار گرفته است که وظیفه اخلاقی او اقتضا می‌کند برای رفع زبانی بسیار بزرگ از فردی ناتوان، بخشی از این اموال را مصرف کند. اگر در چنین وضعیتی تصرف او در اموال تحت اختیارش از نظر اخلاقی موجه باشد، آنگاه در هر موقعیت مشابهی که همه ویژگی‌های

1. moral supervenience

2. epiphenomenon

غیراخلاقی مرتبط یکسان باشند، باید همان حکم اخلاقی نیز صادق باشد؛ بنابراین، در همه این موقعیت‌ها، اگر رئیس بانک چنین اقدامی انجام دهد، مرتکب خطای اخلاقی نخواهد شد (McPherson, 2020, p 1). به هر حال برای معرفی بهتر فرارخدادگی باید چند دسته مفاهیم دوگانه مورد واری و بررسی قرار گیرند:

۱-۲. مفاهیم ویژگی‌ها یا جزئیات پایه و ویژگی‌ها یا جزئیات اخلاقی^۱

همان گونه که از مثال بحث فرارخدادگی مشخص است، یک ارتباط دوسویه‌ای بین جزئیات و ویژگی‌های اخلاقی و جزئیات و ویژگی‌های توصیفی (غیر ارزشی) برقرار است. به این معنا که با تغییر در یکی از ویژگی‌های توصیفی، حکم اخلاقی نیز لاجرم تغییر می‌کند (Schmitt, 2013, p 1).

۲-۲. مفاهیم هستی‌شناختی و منطقی^۲

فرارخدادگی دارای دو نسخه‌ای است که در یکی از آن‌ها ارتباط بین حقایق اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از آن تعبیر به فرارخدادگی هستی‌شناختی می‌شود و در یک نسخه دیگر موضوع بحث قضاوت‌های اخلاقی است که از آن به فرارخدادگی منطقی تعبیر می‌شود (Klagge, 1984, pp 370-80).

۳-۲. کیفیات اولیه و ثانویه^۳

نکته‌ای که در بحث فرارخدادگی امثال هیر و مک داول اشاره می‌کنند، این است که ویژگی‌های اخلاقی به گونه‌ای ویژگی‌های درجه دوم هستند و به نظر می‌رسد این تعبیر رسانایی در باب فهم ادعای مرکزی فرارخدادگی باشد (McDowell, 1998, p 130; Hare, 1989, p 68).

۴-۲. مفهوم جهت^۴ در گزاره‌ها

یکی از زاویه‌هایی که در فرارخدادگی مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث کیفیت ارتباط بین جزئیات و ویژگی‌های اخلاقی و جزئیات و ویژگی‌های توصیفی است. به عبارت دیگر این ارتباطی که بین این دو دسته ویژگی است که از آن تعبیر به ارتباط متغایر دوسویه می‌شود، آیا ضروری است یا غیرضروری و اگر ضروری است چه میزان ضرورت دارد؟ آیا این ارتباط وثیق فقط برای عالم واقع و یا به تعبیر دیگر این جهانی است یا در همه عوالم ممکن این ارتباط وثیق وجود دارد به گونه‌ای که تکیه این ضرورت به ترابط مفهومی از سنخ تلازم یا امثال آن بازگشت دارد؟ چنین سؤالی در فرارخدادگی به میزانی اهمیت و جایگاه دارد که اساساً مبنا و جهت تقسیم در اقسام گوناگون فرارخدادگی است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

اقسام فرارخدادگی

فرارخدادگی به عنوان یک رابطه متغیر دوسویه^۵ اقسام مختلفی دارد. البته در برخی از اقسام تا حدودی تعریف‌ها متعدد است و به نظر می‌رسد در مجموع تعریف به مثال در این اقسام کارگشا باشد:

1. Basic properties and ethical properties
2. ontological and ascriptive
3. primary quality and secondary quality
4. modality

۵. این عنوان اشاره به همان تغییر ویژگی‌های اخلاقی در صورت تغییر ویژگی‌های توصیفی دارد و در برخی جاها به هم پراکنش ترجمه شده است.

۱-۳. نسخه حداقلی^۱ فرارخدادگی

در این خوانش از فرارخدادگی اخلاقی، صرفاً بین ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های غیراخلاقی یا توصیفی، رابطه برقرار است به این معنا که اگر دو رفتار، از لحاظ تمامی ویژگی‌های توصیفی، یکسان باشند و هیچ تفاوتی بین آن‌ها نباشد، لاجرم باید حکم اخلاقی آن‌ها نیز یکی باشد؛ به‌طور مثال اگر رئیس یک بانک درحالی که حساب یکی از مشتریان را خالی کرده است در نظر گرفته شود، در صورتی می‌توان گفت این شخص کار خلافی مرتکب نشده است یا چه‌بسا کار خوبی انجام داده است که هر اختلاس دیگری توسط رؤسای بانک‌های دیگر با این شرط که همه شرایط و ویژگی‌های توصیفی‌اش با مورد اول یکی باشد، نیز دارای حکم اخلاقی قبیح یا بد نیست (Hare, 1989, p 67).

۲-۳. نسخه حداکثری^۲ فرارخدادگی

این رابطه متغیر دوسویه تنها مخصوص افراد جهان واقع نیست، بلکه در هر جهانی اگر این گونه باشد که افراد آن جهان، ویژگی‌های توصیفی یکسانی با جهان دیگر داشته باشند، در ویژگی‌های اخلاقی هم این تساوی بین افراد جهان‌های موازی برقرار است (Hare, 1989, p 67).

۳-۳. نسخه جهانی فرارخدادگی

با در نظر گرفتن دو نوع قبلی از فرارخدادگی اخلاقی، در این نسخه نه تنها بین رفتارها و افراد و به‌طور کلی موارد^۳ این رابطه برقرار است، بلکه اگر هر جهان ممکن نیز در تمام ویژگی‌ها با جهان کنونی مساوی باشد در احکام اخلاقی هم به مانند این جهان است (Schmitt, 2013, p 2; Hare, 1989, p 68).

در رابطه با استدلال‌ات برای فرارخدادگی، اقسام مختلفی از استدلال ذکر شده است که از مهم‌ترین آن‌ها، احاله به عمومیت پذیرش آن از سوی واقع‌گرایان - غیر واقع‌گرایان، شناخت‌گرایان - ناشناخت‌گرایان، تقلیل‌گرایان - غیر تقلیل‌گرایان، طبیعت‌گرایان - ناطبیعت‌گرایان و ... دارد. درواقع، اختلافی نبودن فرارخدادگی توسط مکاتب گوناگون و بعضاً متقابل، دلیلی بر صحت این نظریه است (Rosen, 2020, p 220).

پس از مرور بخشی از مفاهیم پایه و همچنین نسخه‌های گوناگون از فرارخدادگی و به‌منظور دریافت فهمی درست از اطلاعات مشترک در هر یک از فرارخدادگی و حسن و قبح عقلایی، تبیین ساختار و محورهای حسن و قبح عقلایی در دستور کار قرار می‌گیرد. بحث مشهورات به‌عنوان یک نوع از انواع گزاره‌ها برای تشخیص مواد استدلال در علم منطقی، به‌عنوان طلیعه و مقدمه برای هستی‌شناسی حسن و قبح در نظریه حسن و قبح عقلایی مطرح شده است.

پیشینه بحث از مشهورات

در تقسیم گزاره‌هایی که از مقدمات صناعات خمس است، یک گروه از گزاره‌ها، به نام مشهورات هستند. یکی از مباحث در علم منطقی این است که این سنخ از گزاره‌ها در کدام یک از صناعات خمس می‌توانند به‌عنوان محتوا و مواد استدلال قرار بگیرند؟ (طوسی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲، ص ۳۸۱؛ قطب رازی، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۱۲؛ ۱۳۸۴ ب، ص ۴۴۹ - ۴۵۰؛ ۱۳۹۱، ص ۴۶۲).

۱. معادل این عنوان در انگلیسی weak supervenience است.

۲. معادل این عنوان در انگلیسی strong supervenience است. معادل متوسط برای این واژه به توجه به نسخه بعدی است که نسخه جهانی یا حداکثری global می‌باشد.

3. individuals

۴. تعبیر رزن عبارت است از: The least controversial thesis in metaethics

فارغ از این بحث و مباحث منطقی دیگر پیرامون قضایای مشهورات و همچنین تقسیم‌بندی مشهورات به مشهورات بالمعنی الاعم و مشهورات بالمعنی الاخص، بیان حدومرز مفهومی این دسته از قضایا ضرورت دارد. نام‌گذاری برخی از گزاره‌ها به مشهورات، ریشه در یونان باستان دارد؛ مثلاً ارسطو در کتاب *بوطیقا*^۱ می‌گوید: «قصد ما از نگارش این رساله، یافتن تحقیقی است که به وسیله آن بتوانیم درباره هر مسئله‌ای که به ما ارائه می‌گردد، از آرای مشهور استدلال کنیم» (ارسطو، ۱۳۷۹، ص ۱). در رابطه با همان سؤال چالشی استفاده از مشهورات در استدلال برهانی نیز ارسطو اشاراتی دارد (ارسطو، ۱۹۷۰، ج ۲، ص ۳۸۷).

در بین اندیشمندان مسلمان هم از جوانب گوناگون قضایای مشهور بحث شده است. فارابی در کتاب *التنبیه علی سبیل السعاده*، اشاره به بحث مشهورات دارد و مشهور بودن یک گزاره را دلیلی بر عدم احتیاج به دلیل می‌داند: «فذلک ما لا یحتاج بیانہ علی قول؛ اذ کان فی غایۃ الشہرہ» (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۴۷).

ابن سینا نیز در کتاب *منطق اشارات* به این نکته تنبیه می‌دهد که مشهورات از قضایایی است که در جلد از آن‌ها استفاده می‌شود؛ در حالی که مواد برهان را قضایای الواجب قبولها دانسته است که یا از سنخ ضروریات هستند یا مستتبع از ضروریات می‌باشند (ابن سینا، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۱). در این عبارت نکته نهفته‌ای وجود دارد که در ادامه در راستای فهم حسن و قبح عقلایی و بازخوانی آن بر مبنای فرارخدادگی مشخص می‌گردد. ایشان همچنین در بخش برهان کتاب *شفا* در باب مشهورات این چنین می‌فرماید: «... فان هذه مشهورات مقبولة و ان كانت صادقة فصدقها ليس مما يتبين بفطره العقل المنزل المنزله المذكورة بل المشهورات هذه و امثالها منها ما هو صادق و لكن يحتاج في ان يصير يقينا الى حجة...» (ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۶۱).

البته در رابطه با نوع خاصی از مشهورات که محل بحث است؛ یعنی همان حسن و قبح باید گفت علاوه بر ویژگی‌های کلی قضایای مشهور در منطق، در برخی مباحث نسبت به خصوص حسن و قبح ویژگی‌های دیگری نیز بیان شده است که ناشی از اعتباری دانستن گزاره‌های حاوی این دو مفهوم به عنوان محمول است. در نظریه اعتباریات علامه طباطبایی، قضایای حاوی حسن و قبح را از مواد قابل استفاده در برهان نمی‌دانند و این گزاره‌ها را از گزاره‌های دارای ضرورت، کلیت و دوام خارج می‌نمایند (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، ص ۲۵۰).

نظریه حسن و قبح عقلایی

از آنجاکه حسن و قبح از مباحث بنیادین در فلسفه اخلاق است، و تحت عناوین معناشناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی از خوب و بد مورد بحث قرار می‌گیرد، در علوم اسلامی از جمله کلام و اصول فقه مباحث گوناگونی در رابطه با آن و مرتبط با مباحث ارزش‌شناختی وجود دارد.

اصطلاحاتی که در علم کلام راجع به حسن و قبح یافت می‌شود، عبارت است از:

۱. حسن و قبح عقلی؛
۲. حسن و قبح ذاتی؛
۳. حسن و قبح شرعی.

ابوالحسن اشعری از بزرگان مکتب اشاعره است که اساساً منکر ملاکی ثبوتی برای حسن و قبح شده است و اصطلاحاً قائل به حسن و قبح شرعی بوده است (اشعری، بی‌تا، ص ۱۱۶).

حسن و قبح شرعی: به معنای این است که افعال جدای از امر و نهی خداوند هیچ اتصافی به حسن و قبح ندارند و تنها ملاک برای حسن و قبح این است که هر چه که خداوند متعال انجام دهد، دارای حسن است و هر چه که نهی کند دارای قبح

۱. کتابی که برای صناعت خطابه نگاشته شده و این واژه معادل واژه خطابه در فارسی است.

است. یکی از مواردی که اشعری در این باره به عنوان مثال می آورد این است که عذاب کردن مؤمنان توسط خداوند هیچ قبحی ندارد و از آنجا کذب بر خداوند جایز نیست، می گوئیم خدا مؤمنان را عذاب نمی کند (اشعری، بی تا، ص ۱۱۶).

بعد از اشعری، سایر اشاعره برای استدلال نسبت به حسن و قبح شرعی یک بحث معناشناختی را مطرح کردند. حسن و قبح سه معنا دارد: معنای اول که کمال و نقص باشد، اختلافی نیست و همه ادراک عقل را نسبت به آن قبول دارند؛ معنای دوم موافقت یا مخالفت با غرض است که از آن تعبیر به مصلحت و مفسده هم می شود. محل نزاع در حسن و قبح شرعی یا عقلی معنای سوم است که از آن به مصلحت و مفسده هم تعبیر می گردد (القوشجی، بی تا، ص ۳۳۷ و ۳۳۸) برخی دیگر سه معنای حسن و قبح را به ترتیب:

۱. ملائمت و منافرت با طبع؛

۲. صفت کمال یا نقصان، در این دو معنا نزاع و اختلافی نیست؛

۳. صفت موجبیت برای ثواب و عقاب و مدح و ذم که نسبت به افعال مطرح می گردد (فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۸ - ۴۷۹).

ایشان برای این ادعایشان به ادله ای که استناد می کنند؛ از جمله مالکیت مطلقه خداوند (اشعری، بی تا، ص ۱۱۶)، قبیح نبودن تکلیف به فراتر از حد توان (فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۹).

در مقابل اشاعره، عدلیه قائل به حسن و قبح عقلی شدند. عدلیه شامل امامیه و معتزله می شود که البته در فروعاتی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند؛ برای مثال، عدلیه ثواب دادن به کسی که مستحق ثواب است را بر خداوند واجب برمی شمردند و در طرف مقابل عقاب کسی که مستحق عقاب است را بر خداوند واجب نمی دانستند، ولی معتزله، به وجوب وفای به هر دوی وعده و وعید برای خداوند معتقد بودند (طوسی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۰). بدیهی است این وجوب در پی قبول همان حسن و قبحی است که به بداهت عقل فهمیده می شود و نیازی به امر و نهی و یا به عبارت دقیق تر تحسین و تقبیح شارع نیست.

حسن و قبح عقلی: به معنای حکم عقل به عدم استحقاق ذم برای فاعل فعل حسن و هم چنین حکم عقل به استحقاق ذم برای فاعل فعل قبیح است. بنابر این چنین اصطلاحی در مقابل حسن و قبح شرعی است که اساساً حکمی را برای عقل نسبت به هیچ یک از حسن و قبح نمی پذیرد (طوسی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۰ و لاهیجی، ۱۳۷۷ق، ص ۲۴۵).

خواجه نصیر همان سه معنای فخر رازی را برای حسن و قبح به کار می برد (طوسی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۷)، ولی محقق لاهیجی در این بحث به سخن یکی از اشاعره استناد می کند و سه معنایی را برای این بحث می آورد که کمی متفاوت با سه معنای بالا است؛ برای مثال در معنای سوم که به تعبیر اشاعره محل اختلاف است و عقلی بودنش را قبول نمی کنند، استحقاق ذم و عدم استحقاق ذم را مطرح نمی کند، بلکه استحقاق ثواب اخروی و استحقاق عقاب اخروی را مطرح می کنند که البته در ادامه خود محقق لاهیجی تذکر می دهند که این یکی از مصادیق معنای سوم است و معنای سوم حسن و قبح، استحقاق مدح و جزاست که از جانب خالق باشد چه از جانب خلق. ایشان همچنین می فرماید معنای دوم یعنی موافقت یا مخالفت با غرض معنای حسن و قبح نیست، بلکه جهت حسن و قبح است (لاهیجی، ۱۳۷۷ق، ص ۲۴۶).

یکی از نکاتی که متکلمین امامیه در بحث هستی شناسی حسن و قبح و اصطلاح حسن و قبح عقلی به آن همواره تذکر داده اند این است که حسن و قبح عقلی به این معناست که افعال مشتمل بر جهت حسن و قبحی هستند که لااقل در بعضی موارد عقل به استقلال به آن جهت حسن یا جهت قبح می رسد (همان، ص ۲۴۶ و علامه حلی، بی تا، ص ۴۲۲). از این نکته آخر اصطلاح سومی در این بحث متولد می شود با نام حسن و قبح ذاتی.

حسن و قبح ذاتی: افعال صرف نظر از امر و نهی شارع مشتمل بر جهت حسن و یا قبیح می باشند (همان) گفتنی است اصطلاح حسن و قبح ذاتی یک سیر تطوری داشته است به گونه ای که در علم اصول دیگر به این معنا به کار

نمی‌رود، بلکه در قالب تقسیمی حسن و قبحی که به افعال بار می‌شوند یا ذاتی آن‌ها هستند یا اقتضایی هستند یا به‌طور لاقضاء می‌باشند (اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۴۴).

با تعریف این سه اصطلاح که در تراث کلامی شیعه و اهل سنت آمده است، مشخص می‌شود که حسن و قبح عقلی دارای دورویه است: یک‌رویه معرفت‌شناختی و یک‌رویه هستی‌شناختی. این که عقل بتواند به حسن و قبح یک فعل پی ببرد یا خیر بحثی معرفت‌شناختی است، ولی این که افعال جدای از حکم شارع اساساً جهت اتصافی نسبت به حسن و قبح دارند یا خیر یک بحث هستی‌شناختی است. در نتیجه اصطلاح حسن و قبح ذاتی در راستای تکمیل حسن و قبح عقلی است و خاطر نشان می‌کند لازمه این که عقل مدرک برخی از حسن و قبح‌ها باشد، این است که افعال چنین جهتی فارغ از امر و نهی شارع داشته باشند و این بحث هستی‌شناختی است.

در علوم اصول فقه اظهار نظر در برخی مسائل مانند بحث قبح تجری یا قاعده قبح عقاب بلایان نیازمند مباحثی بنیادین از همین سنخ در باب حسن و قبح است. یکی از نظریاتی که به‌طور مبنایی به مناسبت همین مباحث اصولی، به هستی‌شناسی حسن و قبح پرداخته است، دیدگاه محقق اصفهانی موسوم به «حسن و قبح عقلایی» است.

طبق این مسلک قضایای حاوی حکم حسن یا قبح، از جهت تقسیم قضایا در منطق جزو قضایای مشهورات هستند. نگاه منطقی به قضایای حسن و قبح اولین ویژگی این دیدگاه است. ایشان بدیهیات یا به تعبیری ضروریات را که شش قسم هستند، نام می‌برد و می‌فرماید حسن و قبح هیچ از این شش مورد نیست. قضایای ضروری عبارت‌اند از اولیات، حسیات، فطریات، تجربیات، متواترات و حدسیاتی که موجب یقین هستند (اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، صص ۴۲-۴۳).

یکی دیگر از محورهای این نظریه، مراد از ذاتی بودن حسن و قبح است. ایشان می‌فرماید مراد از ذاتی، ذاتی باب کلیات خمس و همچنین ذاتی باب برهان نیست. بلکه مراد عرضی ذاتی است به این معنا که حسن عدل و قبح ظلم بدون واسطه در اتصاف، به حسن و قبح متصف یا همان استحقاق مدح و استحقاق ذم می‌گردند.

مرحوم اصفهانی به مناسبت‌های گوناگونی این بحث را مطرح می‌نماید و به مناسبت آن بحث دلیلی را برای این مسلک ارائه می‌دهد. مجموع ادله ایشان عبارت‌اند از:

۱. ایشان می‌فرماید حسن و قبح از مشهورات است، زیرا از هیچ‌یک از مواد ضروریات نیست. از اولیات هم نیست، زیرا از تصور موضوع عدل و ظلم به حکم حسن و قبح پی برده نمی‌شود. همچنین از حسیات نیست، زیرا استحقاق مشاهد نیست و از فطریات نیست، زیرا قیاسی ندارد که با آن قیاس ثابت گردد (اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، صص ۴۲-۴۳).

۲. واقع و حقیقتی ورای تطابق آراء عقلا برای قضایای مشهورات نیست. این در حالی است که معیار صدق و کذب در قضایای برهانی، تطابق با واقعیت است (اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۳۱۲).

۳. آنچه در تحسین و تقیح عقلی مورد بحث است، ویژگی استحقاق مدح و استحقاق ذم است که در نسبت آن فعل با مصلحت عامه یا مفسده عامه کشف می‌گردد، نه تأثیری که به‌صورت شخصی بر روی فرد می‌گذارد. مانند اینکه یک شخصی از آنجا که حب ذات دارد احسان و نیکی را دوست می‌دارد و از ظلم و بدی بیزار است. معلوم است که حسن و قبح به این معنای مصلحت و مفسده شخصی یا ملائمت و منافرت مورد بحث قرار نمی‌گیرد و کسی شک ندارد که این موارد واقعیت دارد. آنچه محل بحث است حسن و قبح به معنای استحقاق یک فعل برای مدح یا ذم است نسبت به تأثیری که در مصلحت عامه یا مفسده عامه دارد.

ایشان در توضیح این دلیل می‌گویند اقتضای یک فعل نسبت به مدح و ذم دو گونه است:

- به‌طوری که سبب برای مسبب و مقتضی برای مقتضای اقتضاء دارد.

- به‌طوری که غایت برای ذی‌غایت اقتضاء دارد.

شکی در این نیست که سببیت یک فعل برای مدح نسبت به اثری که دارد یک امر واقعی است، ولی بحث بر سر این است که رابطه‌ای که یک فعل با مصلحت عامه دارد، انسان را وامی‌دارد به اینکه فاعل آن را مدح کند و بالعکس.

چنین اقتضایی دیگر واقعی نیست و همین اقتضاء است که مناسب با مقام یعنی مدح و ذمی است که عقلاء برای رسیدن به مصالح عامه و دوری از مفاسد عامه و اخلال امت انجام می‌دهند (اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، صص ۳۱۲-۳۱۴).

نکته آخر پیش از ورود به نگاه تطبیقی این است که به نظر می‌رسد حسن و قبح عقلایی در یک لایه دیگر و با مقدمات انسان شناختی در نظریه اعتباریات که از سوی علامه طباطبایی بسط یافته است، منعکس گردیده و مورد بازنویسی قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، صص ۳۴۰-۳۶۶).

در باب نسبت این نظریه در علم اصول فقه تحت عنوان «حسن و قبح عقلایی» با سه اصطلاح کلامی مرتبط با حسن و قبح یعنی «حسن و قبح شرعی»، «حسن و قبح عقلی» و «حسن و قبح ذاتی» باید گفت، حسن و قبح عقلایی، با نظریه حسن و قبح شرعی سازگاری دارد و جزء نظریات غیرواقع گراست برخلاف حسن و قبح عقلی و ذاتی که ذیل عنوان واقع گرایی گنجانده می‌شوند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد محقق اصفهانی حسن و قبح عقلایی در اخلاق را مغایر و منافی با حسن و قبح عقلی و ذاتی در حوزه کلام می‌داند. نکته این است که چنین تلقی‌ای از نظریه حسن و قبح عقلایی، در وهله اول به ذهن می‌آید، اما با دقت در ارکان این نظریه و از جمله ابتنائش به بحث مشهورات، رمز ابهام موجود در جایگذاری مناسب برای حسن و قبح عقلایی مشخص می‌شود و ایده اصلی این نوشتار این است که با توجه به مباحث فرارخدادگی می‌توان نسخه‌ای واقع گرایانه از حسن و قبح عقلایی ارائه کرد که با محورهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی حسن و قبح عقلی و ذاتی سازگاری داشته باشد.

بازتقریر نظریه حسن و قبح عقلایی بر اساس فرارخدادگی

برای تقریر حسن و قبح عقلایی بر اساس فرارخدادگی باید به ادبیات فرارخدادگی توجه شود. همان‌طور که گذشت، فرارخدادگی در حوزه اخلاق از آن نظریاتی است که نسخه‌های متعددی دارد به گونه‌ای که در برخی مقاله‌ها آمده است که اساساً اصل فرارخدادگی محل نزاع نیست و هر فیلسوف اخلاقی نهایتاً نسخه‌ای از آن را قبول کرده است (Rosen, 2020, p 220).

ویژگی‌های توصیفی

در نسخه هستی‌شناختی فرارخدادگی، مسائل با چنین سیری مطرح می‌شود که آنچه جزئیات و ویژگی‌های اخلاقی از آن به دست می‌آید و رابطه متغایر با آن دارد، دقیقه چیست؟ آیا یک‌سری ویژگی‌های طبیعی است؟ مثلاً در همان مثال بانک همین که موقعیت جغرافیایی چگونه بوده است و ویژگی‌های طبیعی رئیس بانک به چه شکل بوده است و جزئیاتی از این قبیل، پشتوانه حکم اخلاقی درست یا نادرست بودن آن فعل هستند یا یک‌سری از ویژگی‌های مافوق طبیعی^۱ هستند که به اصطلاح ویژگی‌های اخلاقی به آن ارجاع داده می‌شوند.^۲

این در حالی است که در حسن و قبح عقلایی نهایتاً آنچه غایت قرار می‌گیرد و ملاک حسن و قبح افعال و صفات می‌شود، مصالح عامه اجتماعی هستند که می‌توانند نسبت به زمان‌های گوناگون متغیر باشند.

پس در نتیجه حسن و قبح عقلایی، پاسخ مشخصی برای یکی از اساسی‌ترین سؤالات فرارخدادگی یافت می‌شود و آن پاسخ همان غایت یا غایاتی اجتماعی است که ویژگی‌ها و جزئیات اخلاقی از آن‌ها گرفته می‌شود و یک حالت ثانوی نسبت به آن‌ها دارد. غایاتی که طبق حسن و قبح عقلایی، لزوماً یک نقطه خاصی برای زندگی انسان یا به تعبیری سعادت است که در نظریه‌های اخلاق فضیلت مطرح می‌شوند، نیستند، بلکه صرفاً مصالحی است که برای زندگی اجتماعی بشر

۱. در ادبیات فرارخدادگی از معادل انگلیسی supernatural استفاده شده است (استنفورد، مدخل فرارخدادگی).

۲. در ادبیات فرارخدادگی طرف مقابل subvene, supervene است.

در نظر گرفته شده است. چستی آن غایات و مصالح اجتماعی بی‌تردید تأثیر مهمی در شکل‌گیری حسن و قبح عقلایی به‌عنوان خاستگاه یک دیدگاه اجتماعی دارد و همین چستی توسط فلاسفه اخلاق مورد بررسی قرار گرفته است؛ به‌طور مثال ابونصر فارابی چند نظرگاه و زاویه دید در بحث سعادت اجتماعی و ویژگی‌های آرمان‌شهر مطرح و نهایتاً مورد نقد قرار می‌دهد (فارابی، ۱۳۸۲، صص ۳۵-۳۶).

اگر به مصالح و غایات اجتماعی با ادبیات فرا رخدادگی و اینکه این موارد رابطه متغیر دوسویه با ویژگی‌های اخلاقی دارند، نگاه شود، اهمیت کشف آن‌ها و تعیین‌شان از جهتی که تغییرشان باعث تغییر احکام اخلاقی و نهایتاً حسن و قبح می‌گردد، اهمیت فزون‌تری می‌یابد.

جهت و ضرورت

پیوند بعدی میان فرا رخدادگی و حسن و قبح عقلایی را باید در مفهوم جهت میان موضوعات اخلاقی مثل رفتارها یا صفات و محمولات اخلاقی مثل خوب و بد جست‌وجو کرد. به بیان دیگر اساس حسن و قبح عقلایی از یک بحث منطقی شروع می‌شود مبنی بر اینکه گزاره‌های اخلاقی یا همان گزاره‌هایی که دارای محمول حسن و یا قبح هستند، دارای جهت ضروری بین موضوع و محمول نیستند و وقتی عقل می‌خواهد به این‌همانی بین موضوع و محمول در این گزاره‌ها حکم کند، حتماً نیاز به استدلال دارد. علامه طباطبایی در اعتباریات از این‌هم فراتر رفته و حسن و قبح را نماینده اعتباریات انسان در زندگی اجتماعی‌اش می‌داند که اساساً فاقد ضرورت و کلیت است و از همین رو از مواد صناعت برهان که مفید یقین است، به لحاظ موضوعی خارج است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، ص ۲۵۰).

از سوی دیگر در فرا رخدادگی، پایه تقسیم به حداقلی، حداکثری و نسخه جهانی همین بحث جهت و ضرورت بین موضوعات و محمولات گزاره‌هاست. در فرا رخدادگی می‌گویند اینکه رابطه دوسویه بین جزئیات و ویژگی‌های ارزشی و جزئیات و ویژگی‌های توصیفی، یک رابطه ضروری و دارای دوام باشد و در تمامی جهان‌های ممکن برقرار باشد یا خیر، باعث تحقق نسخه‌های متفاوتی در یک طیف اشتدادی نسبت به فرا رخدادگی می‌شود. در نسخه حداقلی تنها در همین جهان واقع است که ویژگی‌های اخلاقی با تغییر یکی از ویژگی‌های توصیفی تغییر می‌کنند و در نسخه حداکثری این رابطه در تمامی جهان‌ها برقرار است؛ یعنی جهت ضروری دارد. در نسخه جهانی نیز علاوه بر افرادی که در جهان دارای احکام اخلاقی و ارزشی هستند، بین دو جهان (فراتر از فرد) هم به شرط تساوی در تمامی ویژگی‌های توصیفی، احکام یکسان ارزشی و اخلاقی برقرار است؛ یعنی فرا رخدادگی در قسم سوم از اقسامش، دارای جهت ضروری شدیدتری از دو قسم قبل است.

این در حالی است که در حسن و قبح عقلایی، اساساً ضرورت بین محمولات و موضوعات اخلاقی به‌گونه‌ای که بتوان گزاره‌های اخلاقی را در دسته بدیهیات (تصدیق‌های بدون نیاز به استدلال) قرار داد، پذیرفته نمی‌شود و از جهت منطقی، جزء قضایایی قرار می‌گیرند که نیاز به استدلال دارند. به عبارت دیگر حسن و قبح یا همان محمولات اخلاقی، دوامی نسبت به موضوعاتشان ندارند و می‌توانند از آن‌ها گرفته شوند. چنین مطلبی تنها با نسخه حداقلی از فرا رخدادگی سازگار است که رابطه دوسویه بین ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های غیر اخلاقی را در همین جهان محقق مورد بررسی قرار می‌دهد و پیوند حسن و قبح با موضوعات را فراتر از عالم واقع و به‌صورت پیوند مفهومی چه از نوع تضایف باشد؛ مثل پدر و فرزند و چه از انواع دیگر ترابط‌های مفهومی نمی‌داند.

به تعبیر دیگر طبق حسن و قبح عقلایی، این که یک رفتاری دارای ویژگی ارزشی و اخلاقی مثبت است، حتی اگر با استدلالی بتوان آن را ثابت کرد، نهایتاً در این جهان و با ویژگی‌های این جهان، این چنین است نه به‌طور کلی. این بحث در جایی قابل توجه می‌شود که با تقریر فرا رخدادگی از هستی‌شناسی ویژگی‌های اخلاقی و توجه به این نکته که هر رابطه‌ای که در این عالم مشاهده می‌شود، لزوماً نشان‌دهنده ضرورت بین دو متلازم یا دو موضوع و محمول نیست، بلکه ویژگی‌های

کلی این جهان واقع هم ممکن است در آن مؤثر باشد، حسن و قبح عقلایی نمود دیگری می‌یابد، زیرا تمامی مقدماتش که در بخش قبلی همین مقاله نیز به آن اشاره شد، با این مرحله از ضرورت سازگار است که می‌توان حسن و قبح اخلاقی را با استدلال به یقینات و عالم ثبوت برگرداند، درحالی که اگر به نسخه حداقلی فرارخدادگی و جهتی که در آن مطرح می‌شود، توجه شود، می‌توان گفت اساساً در حسن و قبح عقلایی ضرورتی بین موضوعات و محمولات اخلاقی برقرار نیست، بلکه گزاره‌های اخلاقی صرفاً بیانگر رابطه‌ایست میان موضوعات و محمولاتی که عقلاً (انسان‌ها از حیث عاقل بودنشان و هدف‌گذاری‌شان برای مصالح اجتماعی) این رابطه متغیر دوسویه را این گونه دیده‌اند و بین آن‌ها مشهور است.

این تقریر از حسن و قبح عقلایی که اولاً مصالح اجتماعی و غایات اجتماعی را واقعیاتی می‌داند که ویژگی‌های اخلاقی از آن‌ها گرفته می‌شوند و این ویژگی‌های اخلاقی نسبت به آن غایات حالت پدیدار ثنائی دارند، زیرا در راستای رساندن به آن اهداف به کار گرفته شده‌اند و ثانیاً جهتی که بین حسن و قبح اخلاقی به عنوان محمول و رفتارها و صفات به عنوان موضوع در اخلاقیات و گزاره‌های ارزشی برقرار است، از سنخ ضرورت فراتر از عالم واقع (به معنای ترابط قطعی مفهومی از سنخ تضایف و امثال آن) و متسری به عوالم ممکن نیست، به نظر تقریر مستحکم‌تری از حسن و قبح عقلایی است به گونه‌ای که همان هدف را و همان بیان را به طور منسجم‌تری مطرح می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه حسن و قبح عقلایی که در فضای هستی‌شناسی حسن و قبح سخن می‌رانند، در این مقاله محورهای تطبیق آن دیدگاه با نسخه هستی‌شناختی از فرارخدادگی مطرح شد.

در مجموع عناصری که در هر دو نظریه وجود داشت، دو محور برای ظرفیت بازخوانی حسن و قبح عقلایی بر پایه فرارخدادگی کشف شد. در وهله اول غایاتی که محقق اصفهانی آن‌ها را غایات مرتبط با مصالح اجتماعی می‌داند، ظرفیت این را داشتند که پایه و مبنای ویژگی‌ها و جزئیات اخلاقی آن‌طور که فرارخدادگی می‌گوید، قرار گیرند. طبق این تقریر، غایت اجتماعی آن امر حقیقی تکوینی می‌شود که ویژگی‌های اخلاقی به عنوان یک پدیدار ثنائی نسبت به آن تعریف می‌شوند و خودشان حالت اولیه ندارند. اگر به هر دلیلی عقلاً به این نقطه برسند که یک مسئله‌ای دیگر مصلحت اجتماعی جامعه نیست، ویژگی‌های اخلاقی بر اساس آن غایت یا مصلحت جدید، تغییر می‌یابند و این همان رابطه متغیر دوسویه است که در فرارخدادگی نسبت به ویژگی‌های اخلاقی ادعا می‌شود.

همچنین در بحث رابطه ضروری بین ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های توصیفی که بنا بر فرارخدادگی مبنای پایه ویژگی‌های اخلاقی هستند از یک سو، و بین موضوعات گوناگون اخلاقی و محمولاتی که از جنس حسن و قبح هستند بنا بر حسن و قبح عقلایی از سوی دیگر، یک پیوستاری از سنخ مفهوم جهت وجود دارد. همان‌طور که در حسن و قبح عقلایی، پیوند میان حسن و قبح و موضوعات اخلاقی یک پیوند بدیهی و بدون نیاز به استدلال نیست و به عبارت دیگر ضرورت مفهومی بین آن‌ها برقرار نیست، در فرارخدادگی هم نسخه‌های متعددی بر اساس میزان قطعیت جهت در پیوند میان ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های توصیفی برقرار است و در نسخه حداقلی فرارخدادگی این ضرورت مفهومی دیده نمی‌شود. آن رابطه متغیر دوسویه‌ای که وجود دارد، تنها در این عالم واقع کشف شده است و این به نوعی همان است که حسن و قبح عقلایی از رابطه بین حسن و قبح با موضوعات اخلاقی، به مشهور بودن این گزاره‌ها تعبیر می‌کند.

با این دو محور و استحکام پیوندی که در این تقریر مبتنی بر فرارخدادگی برای حسن و قبح عقلایی مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد می‌توان تقریر بهتری از آن خصوصاً به عنوان یک نظریه اجتماعی ارائه داد، به گونه‌ای که رد پای آن در مباحث مختلف فرااخلاق و علم اصول مانند واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی و قبح‌تجری یا قاعده قبح عقاب بلا بیان و همچنین مباحث اجتماعی و جامعه‌شناختی مشهود باشد.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۹۱). *شفاء، برهان*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۱۳ق). *الاشارات و التنبيهات*، ج ۱. بیروت: مؤسسه النعمان.
- ارسطو. (۱۳۷۹). *بوطیقا*، ترجمه پر خیده ملکی. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- ارسطو. (۱۹۷۰ م). *منطق ارسطو*، تصحیح عبدالرحمن بدوی. بیروت: دار القلم.
- اشعری، ابوالحسن. (بی تا). *اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع*. قاهره: المكتبة الازهریه للتراث.
- اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۷۴ق). *نهایة الدراية فی شرح الکفاية*. قم: سید الشهداء.
- رازی، قطب الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۴). *تحریر القواعد المنطقیه و شرح الرسالة الشمسية*. قم: بیدار.
- رازی، قطب الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۴). *شرح شرح الاشارات و التنبيهات*. قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- رازی، قطب الدین محمد بن محمد. (۱۳۹۱). *شرح المطالع*. ج ۱. قم: منشورات ذوی القربی.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۴۰ ه. ق). *مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی*. قم: مکتبه فدک.
- طوسی، نصیر الدین. (۱۳۸۰). *اساس الاقتباس*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طوسی، نصیر الدین. (۱۳۸۴). *شرح الاشارات و التنبيهات*. قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- طوسی، نصیر الدین. (۱۴۱۶ق). *قواعد العقائد*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (بی تا). *کشف المراد*. ترجمه ابوالحسن شعرانی. تهران: کتابفروشی اسلامی.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۳۷۱). *التنبیه علی سبیل السعادة*. تهران: حکمت.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۳۸۲). *فصول متترعه*، ترجمه حسن ملکشاھی. تهران: سروش.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱ق). *المحصل*. قاهره: مکتبه دار التراث.
- القوشجی، علی بن محمد. (بی تا). *شرح تجرید العقائد*. بی جا: منشورات رضی بیدار عزیزی.
- محقق لاهیجی، ملا عبد الرزاق. (۱۳۷۷ق). *گوهر مراد*. تهران: کتابفروشی اسلامی.

Hare R.M. (1989). *Essays in ethical theory*, first published. united state: oxford university.

Klagge, James. (1984). "An Alleged Difficulty Concerning Moral Properties". *Mind*, vol. 93, pp. 370-80.

McDowell, John. (1998). "mind, value and morality". Harvard university.

Rosen, Gideon. (2020). "What is Normative Necessity?". in Mircea Dumitru (ed.), *Metaphysics, Meaning, and Modality: Themes from Kit Fine*, Oxford: Oxford University Press.

Schmitt, Johannes.V. (2013). "moral supervenience". in *the international encyclopedia of ethics*. LaFfollete, Hugh, Blackwell Publishing Ltd.

McPherson, Tristram. (2022). "Supervenience in Ethics", in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Summer 2022 Edition), Edward N. Zalta.